

تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی

دکتر داریوش فروغی*

دکتر هادی امیری**

محمد زمانی بختیاروند***

چکیده

مدیریت ممکن است از طریق اجتناب مالیاتی، به دنبال گزارشگری مناسب‌تر سود باشد تا از این طریق تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت ارائه کند. البته مدیران توانا به دلیل هزینه فرصت از دست رفته ناشی از اجتناب مالیاتی، کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. در این پژوهش، معیار توانایی مدیریتی، بخشی از کارآیی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی‌گیرد و از طریق الگوی تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه شده است. همچنین میانگین مجموع وجه نقد پرداختی سه سال آتی تقسیم بر مجموع مالیات سه سال آتی به عنوان نماینده اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است. در نهایت آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج حاکی از وجود تأثیر منفی و معنادار توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی در طول دوره مورد مطالعه بوده است.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریتی، کارآیی شرکت، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات نقدی.

* دانشیار حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

** استادیار اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: داریوش فروغی (Email: forughi@ase.ui.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳

وجود زمینه‌های مناسب برای دستکاری سود توسط مدیران، باعث شده است سود واقعی یک بنگاه از سود گزارش شده در صورت‌های مالی، متفاوت باشد و شرکت‌ها از اجتناب مالیاتی به عنوان یک روش صرفه‌جویی در هزینه‌ها استفاده کنند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور روشا، ابزارهای صرفه‌جویی مالیات هستند که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). به عبارتی سیاست‌های مالیاتی، مشابه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری هستند که از طریق اجتناب از مالیات برای شرکت منابع اقتصادی ایجاد می‌کند (فرانسیس^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران با توجه به نارسایی‌های موجود در فرآیند برآوردها و پیش‌بینی‌ها و اختیار زمان‌بندی شناسایی درآمد و هزینه‌ها با برنامه‌ریزی صحیح بر روی ارقام تعهدی به اهدافشان برای افزایش سود و اجتناب مالیاتی دست می‌یابند. توانایی مدیریت، بیانگر استفاده بهینه از منابع موجود در فرآیند تحقق اهداف سازمانی است. به عبارت دیگر، مدیر توانا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره را به سازمان برساند (هندریکسون و ون بردا، ۱۹۹۲). هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی بوده است.

مبانی نظری پژوهش

توانایی مدیریتی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که می‌تواند شامل دانش مدیران در هموارسازی سود، مهارت مدیران در تخمین ارقام تعهدی، ادراک مدیران در انتخاب روش‌های حسابداری و آگاهی مدیران در انتخاب پروژه‌ها و خلاقیت مدیران در تخصیص بهینه منابع باشد. هر یک از این توانایی‌ها می‌تواند بر روی اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد، چرا که مدیر در انتخاب و به‌کارگیری اصول و قواعد حسابداری و در تخمین ارقام تعهدی از قضاوت و برآورد استفاده می‌کند که این به نوبه خود بر سود و در نهایت اجتناب مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر منابع انسانی و امکانات مادی برای تحقق اهداف سازمانی

است. تحقق این فرآیند به وسیله انجام وظایف اساسی مدیران، یعنی برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، رهبری و کنترل و با توجه به نظام ارزشی حاکم بر سازمان امکان می‌یابد (رضایی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲).

مدیران همواره سعی دارند با اتخاذ سیاست‌های مالی و عملیاتی مناسب، بهره‌وری و سودآوری شرکت را حداکثر و رضایت سهامداران را نسبت به میزان سودآوری شرکت جلب نمایند. اگر استراتژی‌های انتخابی توسط مدیر نتواند انتظارات سهامداران از سودآوری شرکت را برآورده نماید، آن‌گاه این انگیزه برای مدیر ایجاد خواهد شد که با استفاده از راهکارهای دیگر نظیر اجتناب مالیاتی، سعی در رساندن سودآوری شرکت به حد مورد انتظار سهام داران نماید (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲)، چرا که اگر مدیران نتوانند ارزش شرکت را افزایش دهند، سهامداران جدید حتماً مدیران را برکنار و مدیران مورد نظر خود را جانشین آنها خواهند کرد (بشیری‌منش، ۱۳۸۵). از دیدگاه نظری منظور از اجتناب مالیاتی تلاش به منظور کاهش مالیات‌های پرداختی با استفاده از خلاءهای قانونی است (هانلون^۴ و هیتزمن^۴، ۲۰۱۰). به عبارتی سیاست‌های مالیاتی، مشابه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری هستند که از طریق اجتناب از پرداخت مالیات برای شرکت منابع اقتصادی ایجاد می‌کند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴).

اگر توانایی مدیریت در راهبری شرکت بالا باشد، سیاست‌های اتخاذ شده توسط وی خواهد توانست حداکثر سودآوری را برای شرکت به دنبال داشته باشد. در این حالت، استفاده از اجتناب مالیاتی به منظور رساندن سود به حد مورد نیاز سهامداران ضروری نخواهد بود، چرا که مطالعات اخیر نشان داده است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی علاوه بر اینکه به‌طور بالقوه برای شرکت ارزش افزوده ایجاد می‌کند، هزینه‌هایی را نیز به شرکت تحمیل می‌کند (ریجو و ویلسون^۵، ۲۰۱۲). هزینه‌های مستقیم مربوط به اجتناب از مالیات شامل برنامه‌ریزی مالیاتی، هزینه دعوی حقوقی در برابر مقامات مالیاتی و جریمه‌های تحمیل شده به وسیله این مقامات می‌باشد و هزینه‌های غیرمستقیم شامل هزینه‌های سیاسی و همچنین خسارت بالقوه به شهرت شرکت است.

یکی از هزینه‌هایی که به‌طور ویژه از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ناشی می‌شود، هزینه فرصت از دست رفته تلاش مدیران می‌باشد. مدیران توانا تر بیش‌ترین زمان خود را صرف پروژه‌هایی می‌کنند که دارای بیش‌ترین ارزش افزوده هستند. وقتی هزینه فرصت از دست رفته تلاش مدیران در نتیجه اجتناب مالیاتی افزایش پیدا می‌کند، با توجه به راهکارهای مشابه دیگری که به منظور کسب سود وجود دارد، ارزش افزوده ایجاد شده از طریق اجتناب از مالیاتی ناچیز خواهد بود. بنابراین، انتظار می‌رود مدیران توانا تر کمتر خود را درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی کنند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

همچنین امکان دارد در مواردی، رابطه توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی تحت تأثیر تئوری نمایندگی قرار گیرد. مدیران قادرند از اجتناب مالیاتی به عنوان یک سپر استفاده نموده و از انگیزه لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (سجادی و عربی، ۱۳۹۰). طبق نظریه نمایندگی، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منجر به تصمیم‌های مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند که دامنه آن از دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش بیش از اندازه مدیران در شکل‌های مختلف متغیر است (وانگ، ۲۰۱۰). بنابراین، اجتناب از پرداخت مالیات همیشه ثروت سهامداران را افزایش نمی‌دهد (هانلون و اسلمرود، ۲۰۰۹).

اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است به‌طور بالقوه ارزش بعد از مالیات شرکت را کاهش دهد و از این‌رو سهامداران از مدیران می‌خواهند که در فعالیت‌هایی سودآور غیر از اجتناب مالیاتی سرمایه‌گذاری کنند و متحمل چنین هزینه‌هایی نگردند که به منافع سهامداران لطمه وارد نشود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴). دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «توانایی مدیریت و کیفیت سود» به بررسی رابطه بین کیفیت سود و توانایی مدیریت پرداختند، نتایج پژوهش آنان نشان داد که مدیران توانا تر سود باکیفیت بالاتری را گزارش می‌کنند و همچنین توانایی مدیریتی باکیفیت سود رابطه مثبت دارد. پژوهش‌های انجام‌شده نظیر فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) نیز

نشان داد که ویژگی های ذاتی شرکت نظیر اندازه شرکت، نسبت رشد شرکت، درجه اهرم مالی شرکت و بازده دارایی های شرکت بر اجتناب مالیاتی مؤثر می باشد.

الف. اندازه شرکت (SIZE)

دو دیدگاه در مورد رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و اندازه شرکت وجود دارد که شامل تئوری هزینه سیاسی و تئوری قدرت سیاسی می باشد. به موجب تئوری هزینه سیاسی، شرکت های بزرگ تر و شکوفاتر قربانی فعالیت های دولتمردان شده و موظف به انتقال ثروت هستند (واتز و زیمرمن^۷، ۱۹۸۶). بر اساس این تئوری شرکت های بزرگ دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری هستند. دیدگاه مقابل مبتنی بر نظریه قدرت سیاسی است که بیان می دارد شرکت های بزرگ تر، نرخ مؤثر مالیاتی پایین تری دارند، زیرا آنها دارای منابع ذاتی و اساسی هستند و فرآیندهای سیاسی را از طریق شرکت در برنامه ریزی مالیاتی و سازمان دهی کردن خود برای نیل به صرفه جویی مالیاتی بهینه؛ به نفع خود مدیریت کنند (زیگفرید^۸، ۱۹۷۴).

ب. نسبت رشد شرکت (MTB)

برخی قوانین مالیاتی موجود در کشور بیانگر آن است که شرکت های با فرصت های سرمایه گذاری و رشد بیشتر می توانند از معافیت مالیاتی بیشتری برخوردار شوند (سروستانی، ۱۳۹۱). به عنوان مثال طبق ماده ۱۳۸ قانون مالیات های مستقیم، سود ابرازی شرکت که برای توسعه، بازسازی، نوسازی یا تکمیل واحدهای صنعتی یا معدنی خود یا ایجاد واحد جدید در آن سال صرف می شود به شرط اخذ مجوز از وزارتخانه ذی ربط از ۵۰٪ مالیات ماده ۱۰۵ معاف می باشند. در نتیجه فرصت رشد می تواند بر اجتناب مالیاتی اثر بگذارد؛ از این رو این متغیر به عنوان متغیر کنترلی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

ج. درجه اهرم مالی (Leverage)

اهرم مالی نشان دهنده توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی ها، خصوصاً بدهی های بلندمدت است. منافع مالیاتی یکی از عواملی است که راهکار تامین مالی را تحت تأثیر

قرار می‌دهد (گراهام^۹، ۱۹۹۶). میزان بدهی‌های شرکت‌های متقلب (دارای تقلب در صورت‌های مالی) بیشتر از بدهی‌های شرکت‌هایی است که در آنها تقلب رخ نداده است. در این حالت مدیریت برای رسیدن به سطح معینی از بدهی، صورت‌های مالی را دستکاری می‌کند. در نتیجه سطح بالای بدهی‌ها، هزینه بهره را افزایش و سود شرکت را کاهش می‌دهد که این به نوبه خود هزینه مالیات شرکت را کاهش می‌دهد (هاشمی و مهرابی، ۱۳۸۷).

د. بازده دارایی‌ها (ROA)

این نسبت که بازده سرمایه‌گذاری‌ها (ROI) نیز نامیده می‌شود، اثربخشی مدیریت در ایجاد سود از کل سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. می‌توان چنین انتظار داشت که سودآوری یک شرکت بر نرخ مؤثر مالیاتی آن اثرگذار می‌باشد؛ زیرا هرچه سود یک بنگاه بیشتر باشد، قاعدتاً هزینه مالیات بیشتری خواهد داشت. از این‌رو، با استفاده از نرخ بازده دارایی‌ها، عملکرد شرکت‌های مورد بررسی کنترل شده است (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «توانایی مدیریتی و اجتناب از مالیات» به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و اجتناب از مالیات پرداختند آنها برای اندازه‌گیری اجتناب از مالیاتی از دو معیار نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیات نقدی استفاده کردند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری توانایی مدیران از رویکرد **دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)** استفاده شده است. نتایج پژوهش آنها حاکی از این بوده است که مدیران توانا تر اجتناب از مالیاتی کمتری دارند و توانایی مدیریت با اجتناب از مالیاتی رابطه منفی دارد.

دالیوال^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی «رابطه بین اجتناب مالیاتی و میزان وجوه نقد نگهداری شده توسط شرکت» پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و میزان وجوه نقد نگهداری شده توسط شرکت‌ها، رابطه منفی

وجود دارد. آنها همچنین دریافتند که رابطه منفی بین این دو متغیر در شرکت‌هایی که از نظام راهبری قوی‌تری برخوردارند، ضعیف‌تر است. یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که ارزیابی سرمایه‌گذاران از میزان وجه نقد نگهداری شده در شرکت‌هایی که دارای اجتناب مالیاتی بیشتری هستند، کمتر است.

کیم^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی «رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام» پرداختند. بررسی‌های آنان نشان داد شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بیشتری دارند، ریسک سقوط قیمت آتی آنها سهام بیشتر است. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، در شرکت‌هایی که نظام راهبری قوی‌تری دارند، ضعیف‌تر است.

در پژوهش‌های داخلی، پژوهشی که به‌طور مستقیم به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداخته باشد یافت نشد. علی‌رغم این، سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به شرح زیر است.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات را بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب از پرداخت مالیات و شفافیت گزارشگری مالی به ترتیب نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها» به بررسی این موضوع پرداختند که کدام یک از این استراتژی‌ها بیشتر مورد استفاده شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار قرار می‌گیرند. در پژوهش فوق دو فرضیه مبنی بر وجود رابطه مثبت و

معنادار بین مالیات ابرازی و تشخیصی و محافظه کاری مطرح گردید و در پایان رابطه معناداری بین مالیات تشخیصی و محافظه کاری مشاهده نگردید.

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش مذکور فرار مالیاتی تحت عنوان کاهش عمدی سود مشمول مالیات ابرازی، به منظور افزایش ارزش شرکت تعریف و از طریق تفاوت بین درآمد مشمول مالیات قطعی شده و سود مشمول مالیات ابرازی محاسبه شد. نتایج آنها نشان داد که فرار از پرداخت مالیات، منجر به افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌شود. همچنین در شرکت‌هایی که از نظام راهبری قوی‌تری برخوردارند، اثر فرار مالیاتی بر افزایش ریسک سقوط آتی سهام کمتر است.

فرضیه پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده در مبانی نظری، فرضیه پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه: توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد.

روش پژوهش

به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی همبستگی است. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این راستا داده‌های موردنیاز از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار «ره‌آورد نوین» و سایت اینترنتی «مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار»^{۱۳} جمع‌آوری شده است. به منظور محاسبه کارآیی شرکت‌ها از رگرسیون چندگانه بر مبنای روش مقطعی استفاده شده است و به منظور آزمون فرضیه پژوهش از رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. همچنین اندازه‌گیری کارآیی شرکت‌های عضو نمونه به روش DEA انجام شده است.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند:

۱. نام شرکت تا پایان سال ۱۳۹۲ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس درج شده باشد.

۲. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند باشد.

۳. در بازده زمانی پژوهش تغییر سال مالی رخ نداده باشد.

۴. برای شرکت‌های نمونه، وقفه معاملاتی بیشتر از سه ماه نباشد.

۵. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک و لیزینگ نباشد.

۶. اطلاعات مالی و مالیاتی شرکت طی دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

در روش تحلیل پوششی داده‌ها زمانی که تعداد واحدها کم و تعداد ورودی و خروجی‌ها زیاد باشد، تعداد واحدهای تصمیم‌گیرنده زیادی روی مرز کارآیی قرار می‌گیرند، بنابراین لازم است حداقل تعداد واحدهای هر صنعت سه برابر مجموع ورودی‌ها و خروجی‌ها باشند تا این مشکل پیش نیاید. از آنجایی که در دوره مورد بررسی تعداد شرکت‌های موجود در بعضی صنایع اندک بوده یا داده‌های کلیه شرکت‌های آن صنعت در دسترس نبود، لذا به استناد پژوهش [نمازی و ابراهیمی \(۱۳۸۸\)](#) صنایع مشابه به عنوان یک مجموعه در نظر گرفته شدند. با اعمال شرایط مذکور تعداد ۹۱ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب گردید.

دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است که به سه بخش تقسیم شده است: بخش اول از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ است که داده‌های اصلی پژوهش برای این دوره جمع‌آوری و آزمون شده است. بخش دوم سال ۱۳۸۴ است که داده‌های مربوط به ارزش دارایی‌های پایان سال مذکور در الگوی مورد استفاده قرار گرفته است. بخش

سوم سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ است که داده‌های مربوط به محاسبه اجتناب مالیاتی بر آن مبنای حاصل شده است.

متغیرهای پژوهش

قبل از آنکه نحوه آزمون فرضیه پژوهش بیان شود، نحوه محاسبه متغیرهای مورد استفاده تشریح می‌شود:

متغیر وابسته این پژوهش اجتناب مالیاتی (Tax Avoidance) است. در این پژوهش به منظور محاسبه اجتناب مالیاتی هر شرکت همانند پژوهش‌های **دایرننگ^{۱۴}** و **همکاران (۲۰۰۸)**، **آپرز^{۱۵}** و **همکاران (۲۰۰۹)** و **مایبری^{۱۶}** و **همکاران (۲۰۱۳)** از نرخ مؤثر مالیات پرداختی (CASHETR) به عنوان نماینده متغیر وابسته استفاده شده است. براین اساس هر چقدر میانگین نرخ مؤثر مالیات پرداختی یک شرکت طی سال‌های $t+1$ تا $t+3$ کمتر باشد، دارای اجتناب مالیاتی بیشتری است. نرخ مؤثر مالیات پرداختی (CASHETR) به صورت رابطه شماره ۱ محاسبه شده است:

$$\text{CASHETR} = \frac{\text{مجموع مالیات پرداختی از سال } t+1 \text{ تا } t+3}{\text{مجموع سود مشمول مالیات از سال } t+1 \text{ تا } t+3} \quad (1)$$

متغیر مستقل فرضیه پژوهش، توانایی مدیریتی است. اولین مرحله محاسبه، مربوط به محاسبه کارایی شرکت‌ها با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها می‌باشد. تحلیل پوششی داده‌ها برای اولین بار توسط چارنر و کوپر^{۱۷} (۱۹۸۷) برای مقایسه کارایی چندین شرکت رقابتی درون یک صنعت معرفی گردید. به‌طور کلی، تحلیل پوششی داده‌ها کارایی نسبی واحدهایی را که دارای ورودی و خروجی‌های مشابهی باشند، اندازه‌گیری می‌کند. این گونه واحدها را واحدهای تصمیم‌گیرنده (DMU) می‌نامند. در واقع، این رویکرد، کارایی یک واحد تصمیم‌گیرنده را در مقایسه با واحدهای تصمیم‌گیرنده دیگر درون یک سازمان و یا در یک صنعت مشابه می‌سنجد. به همین دلیل امتیاز کارایی حاصل، یک امتیاز نسبی خواهد بود. کارا بودن یا نبودن یک واحد تصمیم‌گیرنده، بستگی به عملکرد آن واحد در انتقال ورودی‌ها به خروجی‌هایش در

مقایسه با سایر واحدها در یک حوزه خاص دارد (علیزاده زوارم، ۱۳۹۱). روش تحلیل پوششی داده‌ها مبتنی بر دو روش ورودی محور و خروجی محور می‌باشد. در روش ورودی محور با فرض ثابت بودن ستاده‌ها، از حداقل کردن نهاده‌ها برای رسیدن به کارایی بالاتر استفاده می‌شود و در روش ستاده محور فرض می‌شود که نهاده‌ها ثابت هستند و برای رسیدن به کارایی بالاتر از افزایش ستاده‌ها استفاده می‌شود. این روش یک مرز کارایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند. اندازه کارایی را که این روش تولید می‌کند، یک عدد بین صفر و یک است. شرکت‌هایی با نمره کارایی یک، شرکت‌های بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی که نمره کارایی آنها کمتر از یک است زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه یا با افزایش درآمد به مرز کارایی برسند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). در این پژوهش کارایی شرکت‌ها به استناد پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای هر صنعت و در هر سال بر اساس رابطه شماره ۲ محاسبه شده است:

$$\text{MAX}_{v,u} \Theta = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{Other assets}} \quad (2)$$

که در آن، $\text{MAX}_{v,u} \Theta$: بیانگر کارایی کل شرکت؛ Sales: درآمد فروش شرکت به عنوان خروجی؛ COGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ SG&A: هزینه‌های عمومی واداری فروش شرکت؛ PPE: خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت است؛ و Other assets: سایر دارایی‌های شرکت شامل: پیش پرداخت بلندمدت، دارایی‌های ثابت بلااستفاده و وجوه نقد مسدود شده می‌باشد.

پس از اندازه‌گیری کارایی کلی هر شرکت با استفاده از رابطه شماره ۲، برای تعدیل کارایی کلی شرکت و خنثی کردن عوامل ذاتی شرکت - که بر تلاش‌های مدیر اثرگذار است - جهت محاسبه توانایی مدیریتی از رابطه شماره ۳ - که بر اساس پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) تعدیل شده است - استفاده شده است. این رابطه به کمک

رگرسیون مقطعی همانند کارآیی شرکت‌ها، برای هر سال و در هر صنعت به صورت جداگانه برآورد شده است که جز باقیمانده الگو به عنوان توانایی مدیریتی در نظر گرفته می‌شود.

$$FE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(TA_{it}) + \alpha_2 MS_{it} + \alpha_3 FCF_{it} + \alpha_4 \ln(Age_{it}) + \alpha_5 FC_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

که در آن، FE_{it} : کارایی کلی شرکت i در سال t که از رابطه شماره ۲ محاسبه شده است؛ $\ln(TA_{it})$: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در ابتدای دوره؛ MS_{it} : نسبت فروش شرکت i به کل فروش در صنعت مربوطه؛ FCF_{it} : جریان نقدی آزاد که در صورت مثبت بودن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد. در این پژوهش از الگوی لن و پلسن^{۱۸} (۱۹۸۹) که در رابطه شماره ۴ بیان شده برای اندازه‌گیری جریان‌های نقدی آزاد واحد تجاری استفاده می‌شود. $\ln(Age_{it})$: لگاریتم طبیعی سن بورسی شرکت) که از زمان ورود شرکت به بورس تا زمان مورد نیاز را در بر می‌گیرد. FC_{it} : شاخص ارزش خارجی که اگر سود و زیان تسعیر ارزش شرکت i در سال t صفر نباشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد.

$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - INTEP_{it} - CSDIV_{it}) / A_{i,t-1} \quad (۴)$$

که در این رابطه، FCF_{it} : جریان‌های نقدی آزاد شرکت i در سال t ؛ INC_{it} : سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در سال t ؛ TAX_{it} : کل مالیات پرداختی شرکت i در سال t ؛ $INTEP_{it}$: هزینه بهره پرداختی شرکت i در سال t ؛ $CSDIV_{it}$: سود سهامداران عادی پرداختی شرکت i در سال t ؛ $A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ است. و جز خطای رابطه شماره ۴ توانایی مدیریتی (MA) شرکت i در سال t است.

بعد از برآورد الگوی رگرسیونی فوق، جزء باقیمانده الگو (توانایی مدیریتی) به محیط اکسل انتقال یافته و سپس برای قابل مقایسه بودن در طی زمان و صنعت و همچنین کاهش تأثیر مشاهدات پرت، بر اساس هر سال و هر صنعت دهک بندی شده است. برای این کار ابتدا جز باقیمانده در محیط اکسل از بزرگ به کوچک مرتب شده

و اعداد به ۱۰ قسمت مساوی تقسیم گردیده؛ به بزرگترین دهک عدد ۱۰ و کوچکترین دهک عدد ۱ تعلق گرفته است. در نهایت براساس دهکی که به آنها تعلق گرفته، رتبه بندی شده است. طی مراحل فوق، متغیرهای مورد نیاز برای برآورد الگوهای اصلی پژوهش آماده شده و در نهایت الگوی کلی پژوهش برآورد شده است. برای نمونه مراحل محاسبه توانایی مدیریت یکی از شرکت‌های عضو نمونه به صورت جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول شماره ۱. مراحل محاسبه توانایی مدیریت شرکت سیمان خزر- سال ۱۳۸۵

رتبه‌بندی توانایی	توانایی	کارآیی کلی	مبلغ	مبلغ	نماد	
مدیریتی	مدیریتی	شرکت	استاندارد	شده		
$(MA_{rank_{i,t}})$	$(MA_{i,t})$	$(MAX_{v,u} \Theta)$				
۸	۰/۰۶۴	۰/۵۶۷	۱/۴۶	۵۴۰۶۶۹	Sales	درآمد فروش
			۱/۱۳	۲۳۰۰۶۶	COGS	بهای تمام شده کالای فروخته شده
			۳/۰۲	۵۴۰۴۱	SG&A	هزینه های عمومی و اداری
			۰/۶۷	۱۰۳۹۹	PPE	سایر دارایی‌ها

متغیرهای کنترلی این پژوهش شامل موارد زیر است:

اندازه شرکت (SIZE): در این پژوهش برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام استفاده می‌شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر رشد شرکت (MTB): از نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان نماینده‌ای برای رشد شرکت استفاده می‌شود. (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸).

درجه اهرم مالی (Leverage): در این پژوهش از نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها به منزله متغیر اهرم مالی استفاده شده است. بازده دارایی‌ها (ROA)، نسبت نگهداشت وجه نقد (Cash Holding)، نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به مجموع دارایی‌های ابتدای دوره؛

دارایی‌های ثابت مشهود (PPE): شاخص ارزش خارجی (FC)، نسبت دارایی‌های نامشهود (Intangible) سایر متغیرهای کنترلی می‌باشند.

الگوی کلی پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی مطابق پژوهش فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) از الگوی رگرسیون چندگانه با استفاده از داده‌های ترکیبی به شرح رابطه شماره ۵ استفاده شده است:

$$\text{Tax avoidance}_{i,t+1, t+3} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{MARank}_{i,t} + \alpha_2 \text{Size}_{i,t} + \alpha_3 \text{M/B}_{i,t} + \alpha_4 \text{Leverage}_{i,t} + \alpha_5 \text{Cash Holding}_{i,t} + \alpha_6 \text{ROA}_{i,t} + \alpha_7 \text{PPE}_{i,t} + \alpha_8 \text{FC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Intangible}_{i,t} + \epsilon_{it} \quad (5)$$

به منظور آزمون فرضیه ضریب متغیر ($MA_{i,t}$) بررسی می‌شود. چنانچه α_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار باشد، آن‌گاه توانایی مدیریتی بر CASH ETR به عنوان معیار اجتناب مالیاتی، تأثیر مثبت و معنادار و بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنادار دارد و فرضیه پژوهش رد نخواهد شد.

نتایج آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش شامل اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل و همچنین اندازه شرکت، رشد شرکت، درجه اهرم مالی، نسبت نگهداشت وجه نقد، بازده دارایی‌ها، خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و شاخص ارزش خارجی و دارایی‌های نامشهود به عنوان متغیرهای کنترلی در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

با توجه به این که از داده‌های ترکیبی استفاده شده است، لذا با انجام آزمون‌های F لیمر و هاسمن مشخص گردید که برای فرضیه پژوهش، داده‌ها از نوع تابلویی با اثرات ثابت می‌باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده در نتیجه آزمون ناهمسانی واریانس ۰/۰۰ می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، الگوی پژوهش دارای ناهمسانی واریانس خواهند بود. به منظور رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای

برآورد الگو استفاده شده است. خلاصه نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی	CASH ETR	۰/۱۴	۰/۱۵	۱/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۷۴	۴/۵۶۷	۶۱/۸۲
توانایی مدیریتی	MArank	۵/۸۱	۶/۰۰	۱۰/۰۰	۱/۰۰	۳/۱۶۸	۰/۱۲۸	۱/۶۶
اندازه شرکت	Size	۵/۸۳۸	۵/۸۱	۷/۸۱	۴/۶۸	۰/۴۵۹	۰/۶۸	۴/۲۳
نسب رشد	M/B	۰/۳۳	۰/۱۶	۰/۴۴	۰/۲۱۷	۱۳/۲۹	۱۱/۳۹	۱۶۴/۵
درجه اهرم مالی	Leverage	۰/۹	۰/۵۰	۱/۳	۰/۰۰۰	۲/۱۹۲	۱۴/۵۵	۲۴۵
نسبت نگهداشت وجه نقد	Cash Holding	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۰۰۰	۱/۶۷	۹/۴۵	۱۰۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۶۷	۰/۴۴	۰/۷۱	۰/۰۹	۰/۲۸	۱۱/۹۵	۱۵۹
دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	۰/۱۱۲	۰/۲	۰/۶۱	۰/۰۰	۴/۴۲۸	۱۰/۱۳	۱۱۹
دارایی‌های نامشهود	INTAGIBLE	۰/۴۳	۰/۱۴	۰/۵۳	۰/۰۰۰	۳/۳۹	۹/۳۲	۹۹

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۳، نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که سطح معناداری آماره F کمتر از ۵٪ است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز حاکی از آن است که حدوداً ۰/۲۷۱۹ رفتار متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی توضیح داده می‌شود. در نهایت با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل که ۰/۰۰ می‌باشد، در سطح معناداری ۵٪ توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد. ضریب محاسبه شده برای متغیر مستقل ۰/۰۰۳۴ می‌باشد که حاکی از آن است که هرچه توانایی مدیریتی بیشتر باشد وجه نقد پرداختی بابت مالیات نیز بیشتر خواهد بود و هرچه وجه نقد پرداختی بابت مالیات بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتر است. پس در

نهایت نتایج پژوهش بیانگر آن است که توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد، بنابراین فرضیه پژوهش رد نمی‌گردد.

جدول شماره ۳. نتایج حاصل از برآورد الگوی ۵ - تابلویی

$$\text{Tax avoidance}_{i,t+1} \text{ و } t+3 = \alpha_0 + \alpha_1 \text{MARank}_{i,t} + \alpha_2 \text{Size}_{i,t} + \alpha_3 \text{M/B}_{i,t} + \alpha_4 \text{Leverage}_{i,t} + \alpha_5 \text{Cash Holding}_{i,t} + \alpha_6 \text{ROA}_{i,t} + \alpha_7 \text{PPE}_{i,t} + \alpha_8 \text{FC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Intangible}_{i,t} + \epsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	MA	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۰۶	۵/۷۷۸	۰/۰۰
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۲۸۵	۰/۰۰۳۱	-۹/۱۴۹	۰/۰۰
نسبت رشد شرکت	M/OB	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۳/۲۵۵	۰/۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۱۳	۰۰۱۴۵	۰/۹۲۰۲	۰/۳۶
درجه اهرم مالی	LEVERAGE	۰/۰۱۱۱	۰/۰۰۱۴	۸/۱۰۱۶	۰/۰۰
نسبت نگهداشت وجه نقد	CASHHOLDING	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۲۴	۲/۹۷	۰/۰۰۳
دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۰۶	-۹/۲۸۳	۰/۰۰
شاخص ارزش خارجی	FC	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۴۴	۰/۳۷	۰/۷۱
دارایی‌های نامشهود	Intangible asset	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۴۱	-۰/۸۰۹۲	۰/۴۲
آماره F فیشر		۳/۱۷۹	ضریب تعیین		۰/۴۷
آماره دوربین واتسون		۲/۳۸	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۷۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی رابطه توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداخت شده است. لذا، نتیجه حاصل از آزمون فرضیه پژوهش حاکی از تأثیر منفی و معنادار توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ است و فرضیه پژوهش رد نمی‌شود. علت وجود رابطه منفی را می‌توان به این دلیل دانست که مدیران کارا، توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند (هندریکسون و ون بردا، ۱۹۹۲) و رضایت سهامداران را نسبت به میزان سودآوری شرکت جلب نمایند. پس در نهایت استراتژی‌های انتخابی توسط مدیر باید انتظارات سهامداران از سودآوری شرکت را برآورده نماید. مدیران توانا بیشترین زمان خود را صرف پروژه‌های سودآور و دارای

ارزش افزوده می کنند و از فعالیت هایی که دارای هزینه فرصت از دست رفته هستند (مثل اجتناب مالیاتی) پرهیز می کنند، چرا که زمان گذاشتن بر روی فعالیت هایی همچون اجتناب مالیاتی از مدیر، هم وقت و هم هزینه می گیرد و این احتمال وجود دارد که انجام چنین فعالیت هایی توسط مقامات مالیاتی شناسایی و حتی منجر به جریمه و خسارت شرکت گردد و بر حسن شهرت شرکت لطمه وارد نماید. در غیر این صورت، این انگیزه برای مدیر ایجاد خواهد شد که با استفاده از راهکارهای غیرقانونی نظیر اجتناب مالیاتی، سعی در رساندن سودآوری شرکت به حد مورد انتظار سهام داران نماید (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). چرا که اگر مدیران نتوانند ارزش شرکت را افزایش دهند، سهامداران جدید حتماً مدیران را برکنار و مدیران مورد نظر خود را جانشین آنها خواهند کرد (بشیری منش، ۱۳۸۵). همچنین یافته های ناشی از تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش با پژوهش فرانسویس و همکاران (۲۰۱۴) و کریشتان و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر را می توان ارائه نمود:

۱. در ابتدا به حسابداران رسمی عضو سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی ایران توصیه می شود که هنگام برخورد با مبحث مالیات بر درآمد شرکت ها در حسابرسی های خود، مفهوم نرخ مؤثر مالیات نقدی را در نظر گرفته و به جای موکول کردن اظهارنظر به مقامات مالیاتی و منظور نمودن بند محدودیت در دامنه رسیدگی در حسابرسی، تصمیمات قاطع تری نسبت به مالیات اتخاذ کنند.
۲. با توجه به نتایج فرضیه این پژوهش، حسابرسان مالیاتی باید هنگام مشاهده وضعیت توانایی های مدیریتی شرکت، احتمال وجود اجتناب مالیاتی را در هنگام برآورد ریسک حسابرسی مد نظر قرار دهند. همچنین سرمایه گذاران باید بتوانند رابطه توانایی مدیریت شرکت و بازده سهام را درک کرده و تأثیر آن را بر بازده های آتی سهام، مورد ارزیابی قرار دهند.

با توجه به نتایج پژوهش توصیه های زیر برای پژوهش های آینده ارائه می گردد:

۱. در پژوهش حاضر جهت اندازه گیری اجتناب مالیاتی از میانگین نرخ مؤثر مالیات پرداختی شرکت‌ها برای یک دوره سه ساله استفاده شد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی جهت محاسبه اجتناب مالیاتی، از معیارهای دیگری نیز، مانند نرخ مؤثر مالیات دفتری و اختلاف مالیات ابرازی و قطعی استفاده شود. همچنین در این پژوهش به منظور محاسبه اجتناب مالیاتی از دوره‌های سه ساله استفاده شد. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی را طی دوره‌های طولانی‌تری محاسبه کنند.
۲. در این پژوهش به منظور محاسبه کارآیی و توانایی مدیریتی، صنایع مشابه به عنوان یک صنعت انتخاب شده‌اند؛ در همین راستا پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، محاسبه کارآیی و توانایی مدیریتی برای هر صنعت خاص صورت گیرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------|----------------------|
| 1. Desai and Dharmapala | 2. Francis |
| 3. Hendrikson and Van berda | 4. Hanlon |
| 5. Rego and Wilson | 6. Wang |
| 7. Watz and Zimmerman | 8. Siegfried |
| 9. Graham | 10. Krishnan |
| 11. Dhaliwal | 12. Kim |
| 13. www.rdis.ir | 14. Dyreeng |
| 15. Ayers | 16. Maybery |
| 17. Charnes and kooper | 18. Lehn and Poulsen |

References

- Alizadeh, A. (2012). To measure the effectiveness of e-commerce model based on data envelopment analysis (DEA), *M.A. Thesis*, Ferdowsi University of Mashhad, 35-40 [In Persian].
- Ayers, B.C., Jiang, J., Laplante, S.K. (2009). Taxable income as a performance measure. The effects of tax planning and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 26(1), 15-54.
- Bashirimanesh, N. (2006). The consequences of the economic and political development of accounting standards. *Accountant*, 21(176), 71-64 [In Persian].
- Dastgir, M., Khodadadi, V., Rastegar, M. (2010). The relationship between financial and non-financial characteristics of companies with AQ and profit. *Journal of Securities Exchange*, 10, 55-75 [In Persian].
- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S. (2012). Quantifying management ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.

- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S., (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88, 463-498.
- Desai, M.A., Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *The Review of Economics and Statistics*, 91, 537-546.
- Dhaliwal, D.S., Huang, S.X., Moser, W., Pereira, R. (2011). Corporate tax avoidance and the level and valuation of firm cash holdings. *www.ssrn.com*.
- Dyregang, S., Hanlon, M., Maydew, E. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
- Francis, B.B., Sun, X., Qiang, W. (2014). Managerial ability and tax avoidance. *Working Paper*, Available at: *www.ssrn.com*.
- Froughi, D., Mirzaei, M., Rasaiyan, A. (2012). The impact of tax evasion on future stock price crash risk in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Tax Administrations Research*, 13, 71-110 [In Persian].
- Graham, J.R. (1996). Debt and the marginal tax rate. *Journal of Financial Economics*, 41, 41-74.
- Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.
- Hanlon, M., Slemrod, J., (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement. *Journal of Public Economics*, 93, 126-141.
- Hashemi, S.A., Mehrabi, M. (2008). Identifying the tax factors affecting the advantage of debts financing companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 15(54), 137-154 [In Persian].
- Hashemi, S.A., Saedi, R. (2009). The effect of the specific characteristics of firms on the information content of earnings and operating cash flows in explaining stock returns. *Journal of Financial Accounting*, 1(4), 108-130 [In Persian].
- Hendriksen, E., Van Breda, S., Michael, F. (1992). *Accounting Theory*, 5th Edition. Homewood. IL. Irwin. First Edition 1965.
- Kim, J.B., Li, Y., Zhang, L. (2010). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100, 639-662.
- Krishnan, G.V., Wang, C. (2015). The relation between managerial ability audit and audit feeds and going concern opinions. *A Journal of Practice & Theory*, 34(3), 139-160.
- Kenneth, L., Poulsen, A. (1989). Free cash flow and stock holder gains in gohng private transactions. *Journal of Finance*, 44(3), 771-787.

- Mayberry, M.A., Mcguire, S.T., Omer, T.C. (2013). Smooth taxable income, tax avoidance, and the information content of taxable income. *Working Paper*, www.ssrn.com.
- Mehrani, S., Seyedi, S.S. (2013). The impact of revenue tax and conservative accounting on firms tax avoidance. *Journal of Accounting Knowledge and Management Accounting*, 3(10), 13-23 [In Persian].
- Namazi, M., Ebrahimi, S. (2009). The effect of intellectual capital on the current and future financial performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 1(4), 4-25 [In Persian].
- Pourhaydari, O., Fadavi, M.H., Amini, M. (2013). The effect of avoiding to pay taxes on the transparency of financial reporting of firms listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic Research*, 4(52), 69-85 [In Persian].
- Pourhaydari, O., Sarvestani, A. (2013). Identifying and explaining the factors affecting tax management. *Journal of Accounting Knowledge*, 4(12), 89-110 [In Persian].
- Rego, S.O., Wilson, R.J., (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775- 810.
- Rezaeinejad, F., Dehghan, A., Babadi, M. (2013). The effect of management ability on earnings quality: A case study of Tehran Stock Exchange. *1st National Conference of Accounting and Management* [In Persian].
- Sajadi, S.H., Arabi, M. (2011). The effect of audit quality on profit management. *Journal of Public Accountants*, 6(12), 104-108 [In Persian].
- Sarvestani, A. (2012). The relationship between the company characteristics and the type of properties and the effective tax rate of companies listed in Tehran Stock Exchange. *M.A. Thesis*, Shahid Bahonar University, Kerman [In Persian].
- Siegfried, J.J. (1974). Effective average U.S. corporation income tax rates. *National Tax Journal*, 27, 245-259.
- Wang, X. (2010) Tax avoidance, corporate transparency, and firm value. *Working Paper*, The University of Texas at Austin.
- Watts, R., Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. New Jersey: Prentice Hall, Englewood cliffs.